

بسم الله الرحمن الرحيم

## استحباب قرائت قرآن

ترتیب منطقی تعلم و قرائت و حفظ و تدبر است عنوان قرائت باید در سیاق آن مباحث قرار بگیرد که باب ۱۱ از ابواب قرائت قرآن است در باب قرائت روایات متعددی وجود دارد و اطلاعاتی داریم که قرائت قرآن در هر حال استحباب مؤکد دارد؛

### روایت اول

اولین روایت باب ۱۱ «وَعَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ»<sup>۱</sup>

### نکات

۱- یک اطلاق این شکلی دارد، کم، زیاد و در شرایط مختلف تلاوت قرآن مستحب است، منتهی طوایف دیگر از روایات داریم که مثلاً خواندن آن در نماز مستحب است در یک حالتی ثواب دارد و کیفیات خاصه در باب آن وارد شده است همه آنها تعدد مطلوب می شود و نکته روشن هست.

۲- در مستحبات معمولاً به این شکل است که وقتی مطلق یا مقیداتی داشته باشیم حمل بر تعدد مطلوب می شود؛ اینجا هم همین طور است در اصل قرائت قرآن ادله زیادی بر استحباب آن داریم و طوایف زیادی از روایات در باب قرائت قرآن در نماز، در اوقات خاصه، در شبانه روز، مقدار آیات، تعداد آیات و کیفیت قرائت که تلاوت باشد، ترتیل باشد، درست خوانده شود، روایات متعددی داریم. بحث خاص علمی وجود ندارد فقط طرح بحثی از این موضوع بود.

بنابراین اصل قرائت قرآن در همه حالات و هر جای قرآن و به هر شکل مطلق است از این مطلق مواردی استثناء شده مثلاً قرائت قرآن در حال جنابت و زن حائض و نساء و در یک حالات خاص که استثنائات آن است که چون در فقه بحث شده است جدا بحث نمی کنیم.

۱ - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۸۶.

- ۳- نکته سوم این است که در قرائت قرآن از حیث اوقات و از حیث سور و آیات و مقدار و تعداد، روایات زیادی داریم که آن‌ها هم حمل بر تعدد مطلوب و تأکد استحباب می‌شود.
- ۴- نکته چهارم این‌که روایات زیادی در آداب تلاوت قرآن که مثلاً با ترتیل یا با حالت حزن باشد، وجود دارد و این هم حمل بر تعدد مطلوب و تأکد استحباب می‌شود.
- ۵- نکته پنجم از نظر مقدار و زمان و همین‌طور از نظر مکان تأکد می‌شود پاره‌ای از روایات داریم که در بعضی از مکان‌ها مستحب است و ممکن است مکروه هم باشد که اگر مکروه باشد احتمالاً اقل و ثواباً بشود.
- ۶- نکته ششم این‌که ما قرائت قرآن را تعبدی به آن معنا نمی‌دانیم و بر اساس قرائنی که گفتیم توصلی نوع خاص است.
- ۷- نکته هفتم در باب قرائت قرآن این است که بعید نیست متارکه قرائت قرآن به‌طور کلی، حرمت داشته باشد؛ یعنی در زندگی کسی قرآن مطرح نباشد؛ البته نکته هفتم باب ۱۲ ابواب قرائت قرآن آمده است که صفحه ۸۴۵ جلد ۴ هست «باب أنه لا يجوز القرآن ترک القرآن ترکاً یعدی علی النسیان» با این قید آورده است.
- ۸- نکته هشتم این است که روی هجران قرآن و متارکه قرآن که در خود قرآن و روایات آمده که اگر نخواندن بر عنوان هجر قرآن و متارکه قرآن باشد یا نوعی اهانت مثلاً و تحقیر به شمار بیاید روی این عناوین محرم می‌شود از جمله ترک دوره طولانی قرائت قرآن یا مکان که مثلاً در منزل خوانده شود، این حالات و شرایط که ممکن است وقتی وارد جزئیات آن شویم بشود حرف‌هایی پیدا کرد ولی ما بنا نداشتیم. از نظر زمان و مکان به نحو تعدد مطلوب چیزهای زیادی هست.
- ۹- نکته نهم به این هم فتوا داده‌اند و همه قبول دارند که از نظر قرائت هم قرائت فی المصحف مستحب است ولو آدم حفظ باشد

## روایت دوم

باب ۱۹ از ابواب قرائت قرآن «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعٍ بَبَصَرِهِ وَ خُفِّفَ عَلَيْهِ وَالِدِيهِ وَإِنْ كَانَ كَافِرِينَ»<sup>۲</sup>  
روایت مرفوعه است و سند دیگری دارد. روایت متعدد داریم؛

<sup>۲</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۲۰۴.

## روایت سوم

روایت ۴ روایت معتبر است که از امام سؤال می‌کند که من حافظ قرآن هستم آیا همین‌طور بخوانم یا از رو، می‌فرماید: «بل اقرأه بل ذو مصحف اما أن النظر عباده» «بَلِ اقْرَأْهُ وَ انْظُرْ فِي الْمُسْجَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُسْجَفِ عِبَادَةٌ»<sup>۳</sup> که اینجا تعلیل که شده به خوبی تعدد مطلوب را می‌رساند و نشان می‌دهد علاوه بر قرائت خود نظر هم مستحب است روایت هم معتبر و درست است، یک تعداد عناوین خاصه‌ای که در بحث قرائت قرآن هست که ما از همه آن‌ها گذرا عبور کردیم فقط ملاک تعدد مطلوب است و هم نگاه به قرآن و هم قرائت و همین‌طور «اتخاذ مصحف فی البیت» اینکه انسان در خانه مصحف داشته باشد، این هم در باب ۲۰ ابواب قرائت قرآن است.

## روایت چهارم

در باب ۲۱ و ۲۲ پاره‌ای از آداب قرائت قرآن آمده است ترتیل قرآن و همین‌طور قرائت قرآن بالحزن است که روایت مرسله بن ابی عمیر است که به نظر ما درست است اولین روایت باب ۲۲ «قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَاقْرَءُوهُ بِالْحُزْنِ»<sup>۴</sup> روایت معتبره است یا اینکه طوری بخواند که گویا با کسی صحبت می‌کند؛ یعنی زنده بخواند که استحباب مؤکد است یا مثلاً به‌طور سری قرآن بخواند، جهر و علن آن هم مستحب است یا تحسین صوت در قرآن که به حد غناء نرسد، باب ۲۴ است که زیبا بخواند، زیبا خواندن با حزن منافاتی ندارد.

سؤال: ؟

جواب: سر که می‌گوییم اخفات مقابل جهر نیست، اینجا جهر و سر است یعنی کسی مطلع نباشد راجع به اخفات چیزی نداریم نکته خوبی است «اختیار السر علی الجهر» است نه اخفات، یا مثلاً استشعار رقت که حالت رقت داشته باشد.

باب ۲۹ «بَابُ اسْتِحْبَابِ الْبُكَاءِ أَوْ التَّبَاكِي عِنْدَ سَمَاعِ الْقُرْآنِ» دارد که وقتی می‌شنود خود را به حزن بزند، اینها جزئیاتی است که هیچکدام بحث علمی خاصی ندارد و وارد آن نشدیم.

<sup>۳</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۲۰۵.

<sup>۴</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۲۰۸.

۱۰- نکته بعدی در باب قرائت قرآن استحباب قرائت و کراهت ترک است؛ یعنی فقط نگه داشتن در خانه یا نگاه کردن به قرآن مستحب نیست، بلکه ترک اینها کراهت دارد منتهی مادامی که به عناوین ثانوی نرسد که محرم شود. کراهت ترک هم در باب ۱۶ هست، در باب ۲۰ هم «کراهات و ترک القرائه فی البیت» یا عجله در خواندن قرآن کراهت دارد؛ یا اصل خیلی از آدابی که اینجا هست استحباب دارد و از آن طرف کراهت دارد. این چند نکته که به اجمال فقط در باب قرائت قرآن است و بحث علمی ندارد.

### روایت پنجم

در باب ۶ ابواب قرائت قرآن اینجا دارند «اِسْتِحْبَابِ تَعْلَمِ الْقُرْآنِ فِي الشَّبَابِ»<sup>۵</sup> که روایت آن هم معتبره است مالک بن عطیه عن منهان القصاب که یکی توثیق ندارد منتهی آن هم تعلم ندارد «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ» قرائت در جوانی است که مقدمه آن یادگرفتن هست و راجع به خود تعلم مستقیم ندارد، بنابراین بحث تعلم و تفکر را قبلاً داشتیم، در قرائت هم کلیات آن این است. البته قرائت قرآن که گفتیم عنوان حفظ قرآن و نگهداری قرآن در خانه و نظر فی المصحف هم ضمن این آمده است؛ یعنی در واقع نظر فی المصحف، حفظ، تعلم، قرائت همه مستحب است و در مقابل خیلی از این عناوین مکروه است از حیث زمان و مکان و آداب هم که تعدد مطلوب می‌شد.

### حفظ قرآن

عنوان دیگر حفظ به معنای رایج امروز است بحث حفظ چندین روایت دارد که نگاهی به آن می‌اندازیم. بحث حفظ قرآن در جلد چهارم کتاب الصلاة ابواب قرائت قرآن باب پنج که صفحه ۸۳۲ می‌شود در وسائل در چاپ‌هایی که ما داریم چند جلد شماره صفحه‌ها پشت سر هم است از شش و هفت به بعد هر جلدی صفحه گذاری جدا دارد - چاپ‌های جدید را نمی‌دانم چطور است. کتاب صلاة جداگانه صفحه گذاری شده است.

<sup>۵</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۷۷.

<sup>۶</sup> - همان.

## روایات حفظ قرآن

چند روایت در باب پنج و دو روایت هم در باب یک است باب سه هم روایت خاصی ندارد، یک روایت در باب شش، یک روایت در باب یازده، در باب سه و دوازده بعضی از عناوینی هست که به این بحث می‌خورد حدود ده روایت می‌شود که نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم.

### روایت اول

روایت اول باب پنج محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد و سهل بن زیاد جميعاً عن بن محبوب عن جميل بن صالح عن الفضيلة بن اليسار، فكر مي‌کنم روی جميع بحث‌های رجالی قابل تصحیح هست از امام صادق (ع) که «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ»<sup>۷</sup> حافظ قرآن که عمل به قرآن می‌کند با ملائک کرام برره است.

### بررسی دلالتی روایت

این یک روایت است که در بحث قرائت قرآن آورده است منتهی در حفظ به دو معنا به کار می‌رود:

- گاهی حفظ به همان معنای حفظ فیزیکی است؛

- گاهی حفظ برای حفظ ذهنی است که حفظ عن ظهرالقلب می‌گویند که این واجب است.

در مورد قرآن هم به هر دو معنا هم به کار رفته، از این جهت به این روایت نمی‌شود استدلال کرد، قرینه ای ندارد «الحافظ للقرآن عامل به» کسی که قرآن را حفظ می‌کند و نگهبان قرآن است که ممکن است به معنای حفظ عن ظهرالغیب و عن ظهر للقلب نباشد، حفظ ذهنی نباشد، این ذوجهین است نمی‌شود گفت که منظور حتماً حفظ به معنای متداول ما است.

سؤال: ؟

جواب: حافظ یعنی کسی که نگهبان قرآن از خرابی و جلد و اینها یا نگهبان معارف قرآن و امثال آن است حافظ قرآن یعنی حریم و حدود قرآن را حفظ می‌کند گاهی نگهداری هم هست در لغت داریم که نگهداری خارجی یا نگهداری معرفتی و عملی که یا به معنای حفظی است که می‌گوییم. نگهداری عملی آن را هم در قرآن دارد که «انه

<sup>۷</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۷۶.

لحافظون» منتهی جایی گفته شود که از تحریف حفظ بکنید آن هم برای انسان واجب است منتهی جایی ندیدم واژه حفظ به این معنا به کار رفته باشد؛ ماده از نظر مفهومی یکی است از نظر مفهومی هم بالاخره به یک وجه مشترکی می‌رسد.

سؤال: ؟

جواب: نه معمولاً وقتی حفظ می‌گویند می‌شود معنای مشترکی برایشان پیدا کرد ولی کاربرد آن در حفظ به معنای عمل است یا حفظ به معنای همان حفظ کردنی که می‌گوییم نمی‌شود هر دو را در یک کاربرد به کار برد؛ علت این است که در لغت حفظه به آن معنا را از هم جدا می‌کنند در المنجد و اینها هم مطرح است، یعنی مشترک لفظی می‌گیرند نه اینکه قدر جامع لغوی داشته باشد، در تحلیل قدر جامع داریم ولی غیر از قدر جامعی است که در لغت داریم.

سؤال: ؟

جواب: نه مشترک لفظی است وضع آن علی‌حده هست، یعنی در لغت می‌گوید حفظ یحفظ به معنای آن، دیگری می‌گوید حفظ یحفظ به معنای عن ظهر الغیب است «استظهره عن ظهر الغیب» حفظ کرد در ذهن سپرد، اینها را در لغت باید جدا کرد.

## روایت دوم

روایت دوم که همین سند دارد از امام صادق (ع) است می‌فرماید: «يَقُولُ إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ - وَيَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حَفِظَ لَهُ أَجْرَانِ»<sup>۸</sup> اینجا معلوم است که حفظ همان حفظ ذهنی است آنچه با قرآن ممارست دارد؛ يعالج یعنی ممارست، دارد «وَيَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حَفِظَ» با اینکه حافظه ندارد این دو اجر دارد که اینجا می‌رساند که اصل حفظ مستحب است و اگر کم حافظه است اجر بیشتری دارد و لذا مرحوم صاحب وسائل هم دارد «بَابُ اسْتِحْبَابِ حَفِظِ الْقُرْآنِ وَ تَحْمِلِ الْمَشَقَّةِ فِي تَعَلُّمِهِ وَ حَفِظِهِ» روایت دوم هم همین سند است.

روایت سوم عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن بن ابی عمیر عن منصور بن یونس عن صباح بن صیابه که صباح الصیابه توثیق کامل ندارد در رجال کامل الزیارة هم هست که ما قبول نداریم، سند تام نیست دارد سمعت ابا عبد الله

<sup>۸</sup> - همان.

(ع) يقول: « مَنْ شُدِّدَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ كَانَ لَهُ أَجْرَانِ وَمَنْ يُسَّرَ عَلَيْهِ كَانَ مَعَ الْأَوَّلِينَ » وسائل الشيعة، ج ۶، ص: ۱۷۶  
 یعنی کسی که قرآن بر او سخت و دشوار باشد دو اجر دارد اینکه قرآن بر او سخت باشد، کمی مبهم است که شاید بشود بگوییم اطلاق دارد، اگر اطلاق نداشته باشد مبهم می شود ظاهراً در استفاده‌ای که مرحوم صاحب وسائل کرده این است که اطلاقی برای آن در نظر گرفته است؛ یعنی قرائت، تعلم و حفظ آن، همه مستحب است و اگر با دشواری اینها را انجام بدهد آن وقت اجر مضاعف دارد و لذا در عنوان مرحوم صاحب وسائل این اطلاق را به ذهن آورده است، استحباب تحمل المشقه در حفظ که روایت قبلی بود نیامده بلکه در تعلم حفظ است با اینکه اینجا عنوان تعلم نداریم، اطلاق گرفته که البته اطلاق آن از تعلم هم بالاتر است کسی که در ارتباط با قرآن از حیث قرائت، از حیث صوت، از حیث حفظ دشواری داشته باشد، وقتی دشواری دارد طبق قاعده «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا»<sup>۹</sup> ثواب بیشتر دارد.

سؤال: ؟

جواب: بله قرآن برای او دشوار باشد ممکن است بگوییم که خود این یک اطلاقی بشود که هر نوع ممارست و ارتباط با قرآن مستحب است که مصادیق عرفی آن قرائت و حفظ و تعلم و یا نگهداری قرآن در خانه بشود.

سؤال: ؟

جواب: این در مقام بیان اصل این نوع ارتباط با قرآن نیست مفروض گرفته که نوعی از ارتباط و تماس ما با قرآن مستحب است و می‌گوید اگر با سختی بود اجر بیشتری دارد، این در مقام بیان از آن جهت نیست و اطلاق از آن ندارد بنابراین بدون روایت قبلی این درست است یعنی در مقام بیان از حیث نوع ارتباط با قرآن نیست؛ می‌گوید هر نوع ارتباطی که خوب باشد وقتی با سختی و دشواری باشد، اجر بیشتری دارد یک نکته هم که در این دو سه روایت است این است که تضاعف اجر چیز خاصی نیست طبق قاعده «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَزُهَا» در باب قرآن مصداقی از همان قاعده است و چیز خاصی نیست این چند روایت که در این باب بود.

<sup>۹</sup> - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۶۷، ص: ۱۹۱.

## روایت سوم

دو روایت هم در باب اول است یکی روایت اول باب اول از ابواب قرائت قرآن، که همان عنوان وجوب تعلم قرآن بود که سند آن درست نیست، امام باقر فرمود: «يَا سَعْدُ تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ - فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ يَا رَبِّ مَنْهُمْ مَنْ صَانَنِي وَ حَافِظَ عَلِيٍّ وَ لَمْ يُضَيِّعْ شَيْئاً وَ مِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَنِي وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّي وَ كَذَبَ بِي وَ أَنَا حُجَّتَكَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ»<sup>۱۰</sup> یک جا دارد که حافظ علی، خود قرآن روز قیامت می‌گوید اینها محافظان من بودند در ذیل آن دارد «یا رب عبد قد کان نسباً بی مما ذمماً علی یعادی بالسندی و یحب» آن هم «مواظباً علی» داشته است. این روایت دلیل بر حفظ نمی‌شود صاحب وسائل به آن روایت ارجاع داده که دلالت دارد ولی این دلالت ندارد و سند آن ضعیف است «یحافظ علیه یحافظ و حافظ» به معنای حفظ نمی‌آید.

در لغت حافظ به معنای حفظ نمی‌آید و ظهور در این معنا ندارد، پس روایت اول باب اول ابواب قرائت قرآن سنداً و دلالتاً ضعیف است تا اینجا یک روایت داشتیم که دلالت داشت که روایت دوم باب ۵ بود.

## روایت چهارم

روایت دیگر در باب اول حدیث ۱۴ هست که از مجمع‌البیان است که مرحوم طبرسی روایاتی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است در جلد اول اوایل قرآن مقدمه مجمع‌البیان در باب قرائت و حفظ تعدادی روایات را نقل کرده یک روایت در وسائل باب اول از ابواب قرائت قرآن حدیث ۱۴ است که از رسول مکرم اسلام (صلوات الله و سلامه علیه) داریم که «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى يَسْتَظْهَرَهُ وَ يَحْفَظَهُ».

ظهور دلالتی این خیلی خوب است بخواند تا اینکه یستظهره، استظهره یعنی به خاطر سپردن و یحفظه این دو که با هم آمده معنای روشنی دارد؛ «أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ شَفَّعَهُ فِي عَشْرَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ» ده نفر از خاندان خود را شفیع می‌کند که «كُلُّهُمْ قَدْ وَجِبَتْ لَهُمُ النَّارُ»<sup>۱۱</sup> که جهنمی قطعی هستند. می‌گوید «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى يَسْتَظْهَرَهُ» اولاً معنای یستظهره و یحفظ که با هم آمده همان حفظ عن ظهر القلب است به خاطر سپردن و حفظ به معنای مرسومی که ما می‌گوییم یعنی تحفیظ،

<sup>۱۰</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۶۵.

<sup>۱۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۶۹.



## نکته

نکته دیگر این که اینجا تکیه بر قرائت نیست بلکه تکیه بر استظهار است، من قرأ به عنوان مقدمه است کار به قرائت ندارد می‌گوید آن قدر تکرار بکند تا حفظ شود؛ آن وقت این خصوصیت را دارد که در واقع غایت اصل یک چیزی است که تکیه بر آن است که همان حفظ است دلالت بر استحباب حفظ به وضوح روشن و معلوم است و هیچ ابهامی در آن نیست منتهی سند این روایت درست نیست برای اینکه مرحوم طبرسی خیلی روایات دارد که به صورت مقطوعه گفته که «عن النبی» پس در ۴ و ۵ سند و دلالت یک روایت درست بود ولی سند و دلالت این درست نیست و دلالت خیلی خوبی دارد.

سؤال: ؟

جواب: آنجا دارد که الحافظ للقرآن، استظهر و حفظ با هم بیاید مثلاً معلوم است که حفظ به این معنا است اینجا قرینه داریم آنجا قرینه نداریم چون مشترک معنوی نیست در هر دو بکار نمی‌رود و مبهم می‌شود، اگر نگوییم ظهور در خلاف دارد.

جواب: آن طرف هم داریم کسی که حافظ قرآن باشد از نظر معانی و معارف و احکام و عمل هم داریم؛ چون آن طرف را هم داریم این حافظ بی‌قرینه است اگر نگوییم قرینه بعدی دارد که منظور همان عامل است، حداقل مجمل می‌شود.

## اشکال و جواب

در روایت ۱۴ ممکن است کسی بگوید که حضرت می‌خواهد تأکید بر قرائت بکند، قرائت زیاد مستحب است منتهی آن را به عنوان «حَتَّى يَسْتَظْهَرَهُ» آورده نه اینکه تکیه بر «حَتَّى يَسْتَظْهَرَهُ» باشد این سؤال پیش می‌آید که این منظور نیست بلکه منظور احتمال دوم است که تکیه روی قرائت نیست، روی استظهار و حفظ است.

سؤال: ؟

جواب: چون به عنوان یک مقدمه عادی است چون می‌خواست مقدمه بگوید، یعنی این احتمال هست که این حفظ و استظهار موضوعیت ندارد فقط نشانه‌ای برای تأکید بر تکرار قرائت است کسی که زیاد بخواند، یعنی آنقدر بخواند که دیگر حفظ شود، یعنی آن قدر با آن ممارست دارد که حفظ شده است. خدا رحمت کند مرحوم ابوی ما



قرآن را به آن معنا حفظ نبود ولی آن قدر ممارست داشت که تا آیه‌ای می‌گفتی می‌دانست کجاست قبل و بعد آن را می‌خواند آن قدر خوانده بود که حالت حفظ به آن دست داده بود.

سؤال: ؟

جواب: اینجا بحث این است که استظهار موضوعیت دارد یا طریقت برای کثرت و اینها دارد.

سؤال: ؟

همه اینها خوب است در حفظ یک دلیل داریم در قرائت و زیاد خواندن قرآن دلیل دیگری داریم، با همه اینها سازگار است چیز خارجی نمی‌تواند تعیین تکلیف بکند خود عبارت مهم است.

به‌رحال این دو احتمال در هر دو هست؛ یعنی در قرائت مکرر ابتدا ذهن به این سمت می‌رفت ولی قطعی نمی‌کنیم، دو احتمال هست از آن طرف هم می‌شود گفت نیست. این هم یک روایت دیگر که چنین شبهه‌ای در آن ایجاد شد.

مرحوم صاحب وسائل در باب ۳ ارجاعی داده که دلیلی نداریم که بر حفظ به این معنا دلالت بکند.

### روایت پنجم

در باب ۶ هم حدیث اول ابواب قرائت قرآن هم ارجاع دادند که همان روایت شاب المؤمن است «اِخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ» منتهی در آخر دارد و «مَنْ قَرَأَهُ كَثِيراً وَ تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ»<sup>۱۲</sup> کسی که قرآن را زیاد بخواند و ممارست با آن داشته باشد به خاطر دشواری حفظ خدا دو اجر به او می‌دهد، اینجا چون دارد «مَنْ قَرَأَهُ كَثِيراً وَ تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ» روشن است که تکیه بر حفظ است چون می‌گوید با اینکه سخت بود حفظ بکند، ولی باز حفظ کرد این ظهور خوبی دارد.

سؤال: ؟

جواب: مشقتی که از دشواری حفظ آن هست در روایات دیگر هم داریم؛ یعنی آدم کم حافظه‌ای است مجموعه روایاتی که داریم «بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ» آدم کم حافظه است «أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ» به نظر می‌آید دلالت این درست باشد در سند هم در مالک بن عطیه دارای شک است.

<sup>۱۲</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۷۸.

سؤال: ؟

جواب: زمان امام صادق (ع) است که قرآن زیاد بوده همه می خواندند «قرئوها كثيراً و تعاهدوا» تعاهد اینجا با قرینه بعد یعنی حفظ کردن، تعاهدوا یعنی سروکار داشتن، منتهی تعاهد با قرینه ای که بعد می آید یعنی سروکار حفظی، این که حفظ بکند «بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ» دو اجر دارد.

تعاهد مثل هو انگلیسی که می شود هزار جور معنا برای آن کرد؛ ولی به قرائن مورد معلوم می شود که تعاهد با قرآن اینجا یعنی چه؟ چون به شدت من حفظه دارد، تعاهد با او یعنی انس داشتن با او، انس حفظی.

جواب: نه دو مطلب است «مَنْ قَرَأَهُ كَثِيراً وَ تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ» مشقتی که ناشی از شدت حفظ است به خاطر این است که حفظ کردن برای او سخت است و چون آدم کم حافظه ای است در زحمت و دشواری می افتد صحبت تعاهد با مشقت است می خواهد بگوید این تعاهد بر حفظ است، بی مشقت خوب است ولی با مشقت که شد اجر آن دو برابر می شود.

روایت معتبر قبلی هم بود که می گوید «إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ - وَ يَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حِفْظٍ لَهُ أَجْرَانِ»<sup>۱۳</sup> در واقع همان را می گوید: «تَعَاهَدَهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْ شِدَّةِ حِفْظِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ هَذَا مَرَّتَيْنِ»

جواب: نه باید با مشقت من شدة حفظه نسبت داشته باشد، قرینه دارد، آن روایت «إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ - وَ يَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حِفْظٍ لَهُ أَجْرَانِ» به خاطر کم حافظه گی قرآن را حفظ می کند، با اینکه مشقت و قلت حفظ دارد «يَحْفَظُهَا أَنَّهُ اجْرًا» این هم همان را می گوید، این فرمایش بحث مدلول روایت نیست، بحث تحلیل کلی روایت است که ممکن است بگوید تأکید بر حفظ در آن زمان به دلیل این بوده که نشر و دسترسی به قرآن - به خاطر اینکه چاپ و اینها نبوده - به سادگی میسر نبوده و لذا به حفظ کردن ترغیب شده که روی آن صحبت می کنیم، مدلول اولیه عبارت این است که آدمی که حفظ می کند ولی کم حافظه است، دو اجر دارد؛ یکی به خاطر اینکه حفظ کرده و یکی هم به خاطر زحمت زیادی که کشیده است که هر دو روایت می رساند که اصل حفظ مستحب است که اگر کم حافظه باشد استحباب مؤکد دارد؛ منتهی ممکن است کسی بگوید تأکید بر استحباب به خاطر این شرایط مال آن زمان بود که بعداً صحبت می کنیم.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ؛ و صلی اللہ علی محمد و آلہ الاطهار

<sup>۱۳</sup> - وسائل الشیعة، ج ۶، ص: ۱۷۶.